

دانش آموز گرامی

■ برای کسب نمرات عالی و موفقیت در آزمون پایان ترم مشاوره‌های زیر ارائه می‌گردد.
در آزمون پایان ترم از موضوعات مطرح شده در جدول زیر قطعاً سؤالاتی مطرح خواهد شد. با توجه به مثال‌های ارائه شده از هر زیرموضوع، اولویت‌های مطالعاتی خود را مشخص کرده و سعی کنید مهارت خود را در پاسخ‌گویی به چنین سؤالاتی بالا ببرید.

بارم بندی

بارم‌بندی درس عربی (۲) - پایه یازدهم - دوره دوم متوسطه - سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶

جمع	نمره	موضوع	شماره	مهارت‌های زبانی
۲ نمره	۰/۵	نوشتن ترجمه دو کلمه از عربی به فارسی در جمله (زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۱	الف. مهارت‌های واژه‌شناسی
	۰/۵	مترادف و متضاد (دو مورد همانند تمرینات کتاب)	۲	
	۰/۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	۳	
	۰/۵	نوشتن مفرد یا جمع دو اسم (در حد اسم‌های خوانده شده)	۴	
۷ نمره	۵	ترجمه جمله‌های کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین و بخش «اعلموا»	۵	ب. مهارت ترجمه به فارسی
	۰/۵	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۶	
	۱/۵	تکمیل ترجمه ناقص (شش جای خالی)	۷	
۷/۵ نمره	۱/۵	ترجمه دقیق فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر، نهی، نفی، مستقبل، مجهول، فعل دارای نون وقایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه‌های ساده‌ای مانند: دَخَلَ و خَرَجَ یا در قالب مصوّر (ارتباط دادن جملات به تصاویر) (شش مورد) در آزمون نوبت دوم این قسمت (۱) نمره را به خود اختصاص می‌دهد.	۸	ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۰/۷۵	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و نیز مصدر مناسب برای جای خالی در جمله یا تشخیص نوع فعل، یا تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا میان چند کلمه. (سه مورد) / در آزمون نوبت دوم این قسمت (۰/۵) نمره را به خود اختصاص می‌دهد.	۹	
	۰/۵	تشخیص اسم مکان و ترجمه آن در جمله	۱۰	
	۱	تشخیص اسم تفضیل و ترجمه دقیق آن در جمله	۱۱	
	۱	ترجمه دقیق جمله دارای اسلوب شرط / در آزمون نوبت دوم این قسمت همراه با تشخیص فعل شرط و جواب آن جمعاً (۰/۵) نمره را به خود اختصاص می‌دهند.	۱۲	
	۰/۵	تشخیص فعل شرط و جواب آن	۱۳	
	۱	اعراب: تشخیص نقش کلمه و علامت اعرابی آن (فاعل مرفوع، مفعول منصوب، مبتدا مرفوع، خبر مرفوع، مضاف‌الیه مجرور، صفت، جارومجرور یا مجرور به حرف جر)	۱۴	
	۱	تشخیص اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه / در آزمون نوبت دوم این مباحث همراه با اسم تفضیل و اسم مکان جمعاً (۱) نمره را به خود اختصاص می‌دهند.	۱۵	
۰/۲۵	عدد اصلی یا ترتیبی / در آزمون نوبت دوم از مباحث زیر طبق این بارم‌بندی سؤال طراحی می‌شود: ترجمه دقیق جمله بعد از اسم نکره و سایر قواعد درس پنجم (۰/۵) نمره، ترجمه دقیق فعل مضارع دارای حروف «أَنْ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى» در جمله یا سؤال سه گزینه‌ای از فعل مضارع دارای این حروف (۱) نمره، ترجمه دقیق فعل مضارع دارای حروف «لَمْ، لَ، لا» در جمله (۱) نمره، ترجمه دقیق افعال ناقصه «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ» در جمله (۱) نمره	۱۶		
۳ نمره	۱/۵	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (شش مورد) یا ارائه هشت کلمه که دو تا اضافه است و شش جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب کامل شود یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال سه گزینه‌ای)	۱۷	د. مهارت درک و فهم
	۱/۵	درک مطلب (ارائه متن و طراحی شش سؤال حتی‌الامکان با شش کلمه پرسشی خوانده شده یا ارائه شش جمله و تعیین درست و نادرست آن‌ها براساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی یا ارائه شش جمله همراه با هشت کلمه که دانش آموز باید هر جمله را به توضیح مناسب آن وصل کند و یا شیوه ابتکاری دیگری که مهارت درک و فهم را بسنجد).	۱۸	
۰/۵ نمره	۰/۲۵	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی، یا پاسخ به سؤال با توجه به تصویر ارائه شده	۱۹	ه. مهارت مکالمه
	۰/۲۵	طرح سؤال از بخش حوار مانند (جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...)	۲۰	
۲۰	جمع نمره			

الدَّرْسُ عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ

سؤالات امتحانی درس سوم

ترجم الكلمات التي تحتها خط:

- ١ جَمَعْتُ ديداناً من الحديد للاختبار.
- ٢ الرِّقْزاقُ طائرٌ يُنظِّفُ أسنانَ التمساحِ.
- ٣ امتلاً الملعبِ مِنَ المتفرِّجينِ.
- ٤ ما قَبِلَ الحَكَمُ الهدفَ بِسَبَبِ التَّسَلُّلِ.
- ٥ بَعْدُ الحوتِ الأزرقِ أكبرَ الكائناتِ الحيَّةِ.

انتخب الصحيح في معنى الكلمات التي تحتها خط:

- ٦ فَتَحْتُ مِظَلَّتِي لِأَحْفِظَ نَفْسِي أَمَامَ المَطَرِ. روکش چتر
- ٧ عِنْدَ تَنَاوُلِ الفريسةِ أَفْرَزْتُ عِيُونَهُ سائلاً. طعام طعمه
- ٨ قَطَعَ بِأَعْوَابِ الأَشْجَارِ مِنَ جُدُوعِهَا. تنهها ريشهها
- ٩ انْطَلَقْتُ فِي مُنْتَصِفِ اللَّيْلِ. نيمه شب شامگاه
- ١٠ زَعَانِفُ السَّمَكِ الطَّائِرِ تُسَاعِدُهُ لِلْفِرَارِ. بالهها دمها

اكتب المفرد أو الجمع:

- ١١ زَعَنَفَةٌ: جُدُوعٌ: رَمْلٌ: حَيَاتٌ:
- ديدان: الطَّعام: فَمٌ: سِنٌّ:
- دَابَّةٌ: أذْيَالٌ: أذْيَابٌ: ذُنُوبٌ:
- بُطُونٌ: خَشَبٌ: فَرِيقٌ: أَجْنِحَةٌ:

اكتب المترادف أو المتضاد:

- ١٢ مُبَارَاةٌ = دَرَى = أَعْلَى ≠ ذَبِيلٌ =
- شمال ≠ يَسَارٌ = قَلٌّ ≠ عَشٌّ =
- تَكَلَّمَ ≠ يَنْفَعُ ≠ الأَمْوَاتُ ≠ العُدْوَانُ =

عين الكلمة الغريبة في كل مجموعة معني و مفهوماً:

- ١٣ فريسة حداد حيوانات صياد
- ١٤ جذع ثمر عُصْنٌ عُشٌّ
- ١٥ حوت حرباء سمك القرش دلفين
- ١٦ رمل مرمى تسلل لاعب
- ١٧ أسفل أعلى أصفر أغلى

ترجم هذه العبارات:

- ١٨ ﴿و ما من دابة في الأرض ... إلا أمم أمثالكم﴾
- ١٩ الطَّنَانِ هو أصغر طائرٍ على الأرضِ.

- ۲۰ الزَّفْرَاقُ يَنْقُرُ بَقَايَا الطَّعَامِ مِنْ فَمِ التَّمْسَاحِ عِنْدَ مَا يَسْتَرِيحُ عَلَى الشَّاطِئِءِ.
- ۲۱ أَدْرِي أَنْ لَانْقَدِرَ عَلَى مُشَاهَدَةِ جَنَاحِي طَنَانٍ بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَتِهِ.
- ۲۲ قَسَمَ طِفْلٌ دُودَةَ أَرْضٍ إِلَى نِصْفَيْنِ فَصَارَتْ دُودَتِي أَرْضٍ.
- ۲۳ رَأَيْتُ حَيَّةً فِي الْفَلَاةِ وَضَعَتْ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ وَوَقَفَتْ كَالْعَصَا.
- ۲۴ لِلسَّنَجَابِ الطَّائِرِ غِشَاءٌ خَاصٌّ يَسَاعِدُهُ حِينَ قَفَزَةٍ مِنَ الأشْجَارِ.
- ۲۵ سُرْعَةُ نَقَارِ الخَشَبِ مَا ضَرَّ دِمَاعَهُ الصَّغِيرَ لَمَّا نَقَرَ جَذَعَ الشَّجَرَةَ.
- ۲۶ وَجُودٌ نَسِيحٌ بَيْنَ الْجُمُجُمَةِ وَ الْمِنْقَارِ وَ لِسَانٍ يَدُورُ دَاخِلَ جُمُجُمَةِ نَقَارِ الخَشَبِ يَدْفَعُ الضَّرْبَاتِ.
- ۲۷ إِنْ تَبَدَّأَ يَوْمَكَ بِالرَّجَاءِ يَنْتَهِ بِالخَيْرِ.
- ۲۸ بَغْتَةً عَصَفْتُ رِيحًا وَ أَخَذْتُ مِظْلَةً أَبِي إِلَى رَصِيفٍ كَانَ بَعِيدًا مِنِّي.
- ۲۹ نَقَارَ الخَشَبِ يَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةَ بِمِنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْلِ.
- ۳۰ الطَّائِرُ الطَّنَانُ يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَ الْأَسْفَلَ وَ إِلَى الْيَمِينِ وَ الشَّمَالِ.
- ۳۱ انْطِلاقُ الطَّنَانِ وَ تَوَقُّفُهُ السَّرِيعَانِ يُثِيرَانِ التَّعَجُّبَ.
- ۳۲ يُعْجِبُنِي انْطِلاقُ الطَّنَانِ وَ تَوَقُّفُهُ.
- ۳۳ مَنْ يُفَكِّرُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا عَالِبًا.
- ۳۴ ﴿ إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ ﴾
- ۳۵ التَّمْسَاحُ لَا يَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِيْسَتِهِ.
- ۳۶ الْحَيَّةُ حَيَوانٌ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ.

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:

- ۳۷ يَفْدَرُ الْعُلَمَاءُ أَنْوَاعَ الْكائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِالْمِلايينِ.
- دانشمندان انواع در دریاهاى را میلیون ها (موجود)
- ۳۸ عِنْدَمَا يَأْكُلُ التَّمْسَاحُ فَرِيْسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ لَا يَبْكِي بَلْ تَفْرِزُ عِيُونُهُ سَائِلًا كَأَنَّهُ دُمُوعٌ.
- هنگامی که تمساح بزرگ تر از مى خورد بلکه از چشمانش گویى که آن است.
- ۳۹ تَسْقُطُ أَسْنَانُ الطِّفْلِ فِي سِنَّةٍ مِنْ عُمُرِهِ وَتَنْمُو أَسْنَانٌ جَدِيدَةٌ مَكَانَهَا.
- کودک در سالگى او و به جایش جدیدى
- ۴۰ الْمِظْلَةُ أَدَاةٌ لِحِفْظِ الْإِنْسَانِ أَمَامَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ أَوْ نَزُولِ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ.
- وسیله‌اى است برای حفاظت از انسان أشعة و یا بارش
- ۴۱ إِذَا أَصَابَ دُودَةَ الْأَرْضِ شَيْءٌ قَاطِعٌ وَ قَسَمَهَا إِلَى نِصْفَيْنِ فَصَارَ أَحَدُهُمَا بِلَا رَأْسٍ وَ الْآخَرُ بِلَا ذَيْلٍ.
- هرگاه وسیله‌اى به برخورد کند و آن را به دو نیم پس یکی از آن ها بدون سر و بدون دم

اِنْخَبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيْحَةَ:

- ۴۲ قَدْ تَنَحَّرَكَ بِدَاهٍ إِلَى الْأَعْلَى وَ الْأَسْفَلَ وَ الْيَمِينِ وَ الشَّمَالِ.
- الف. دستانش گاهی به بالا و پائین و راست و چپ حرکت می کند.
- ب. دستانش را گاهی به بالا و پائین و راست و چپ حرکت می داد.
- ۴۳ كَانَتْ تَحْرُقُ الرِّمَالَ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ.
- الف. ماسه‌ها از شدت گرما پاهاى كسى را كه بر روى آن حرکت مى كرد را مى سوزاند.
- ب. ماسه‌ها از شدت گرما پاهاى كسى را كه بر روى آن حرکت كند را مى سوزاند.

٤٤	لِتَمْسَاحِ طَرِيقَةً غَرِيبَةً فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ بَعْدَ تَنَاوُلِ الطَّعَامِ. الف. تمساح روش عجیبی برای پاک کردن دندان بعد از خوردن غذا دارد. ب. تمساح بعد از خوردن غذا روشی عجیب در پاک کردن دندان هایش دارد.
٤٥	و مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ. الف. هر چه از خوبی را برای خودتان از پیش بفرستید آن را نزد خدا می یابید. ب. آن چه که از خوبی برای خودتان از پیش می فرستید آن را نزد خدا خواهید یافت.
٤٦	أَتَذَكَّرُ هَدَفًا مَا قَبِلَهُ الْحَكَمُ بِسَبَبِ التَّسَلُّلِ. الف. آیا گلی که داور به خاطر آفساید نپذیرفتش را به یاد می آوری؟ ب. گلی که داور به خاطر آفساید نپذیرفتش را به یاد می آورم.
اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً:	
مباراة - مرمی - دیدان - يَثْبُتُ - أذْيَال - الدَّوَاب - زعانف	
٤٧	رَمَى لِاعِبِ كُرَةَ الْقَدَمِ الْكُرَةَ إِلَى فَرِيقِ السَّعَادَةِ.
٤٨ الْجُنُودُ أَقْدَامَهُمْ لِلذَّهَابِ إِلَى الْحَرْبِ أَمَامَ الْعُدَاةِ.
٤٩	تَسْتَخْدِمُ لِلحَمْلِ وَالرُّكُوبِ.
٥٠	تَسِيرُ الْأَسْمَاكُ بـ فِي الْبِحَارِ.
٥١ بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ تُسَاعِدُهَا لِطَرْدِ الْحَشْرَاتِ.
عَيِّنِ الصَّحِيحَ أَوْ الْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:	
٥٢	الْمِظْلَةُ أَدَاةٌ نَسْتَفِيدُهَا أَمَامَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ فَقَطْ.
٥٣	قَدْ يَصْفُرُ شَرْطِيُّ الْمُرُورِ لِتَوَقُّفِ السَّيَّارَاتِ.
٥٤	فِي عَالَمِ كُرَةِ الْقَدَمِ لَا يُسَجَّلُ بَعْضُ الْأَهْدَافِ بِسَبَبِ التَّسَلُّلِ.
٥٥	الرَّعْنَفَةُ عَضْوٌ يَطِيرُ بِهَا الطَّائِرُ.
٥٦	الْأَسْفَلُ اسْمٌ تَفْضِيلٌ وَ مَوْثِقٌ سَفْلَى.
عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْإِعْرَابِ:	
٥٧	تُفَرِّزُ عَيُونَ التَّمْسَاحِ سَائِلًا عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ. ١. عيون: فاعل و مرفوع به ضمه ٢. فَمٍ: المضاف إليه و مجرور به كسره
٥٨	يُقَدِّرُ الْعُلَمَاءُ طُولَ الْحَوْتِ ثَلَاثِينَ مِتْرًا وَ وَزَنَهُ مِئَةً وَ سَبْعِينَ طُنًّا تَقْرِيبًا. ١. طول: المفعول و منصوب ٢. العلماء: مبتدا و مرفوع
٥٩	نَقَارُ الْخَشَبِ طَائِرٌ يَنْقَرُ جَذْوَعَ الْأَشْجَارِ. ١. يَنْقَرُ: خبر و مرفوع ٢. طَائِرٌ: خبر و مرفوع
٦٠	الْمُبَارَاةُ بَيْنَ فَرِيقِي الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ. هُمَا تَعَادَلَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ. ١. أُسْبُوعَيْنِ: المضاف إليه و مجرور به ياء ٢. بَيْنَ فَرِيقِي: جار و مجرور
٦١	لَهُ طَرِيقَةٌ غَرِيبَةٌ فِي تَنْظِيفِ أَسْنَانِهِ. ١. لَهُ: مبتدا و مبني ٢. طَرِيقَةٌ: مبتدا و مرفوع

الصَّحِيحُ الخَطَأُ

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> |

٦٢ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ جَوَابَ الشَّرْطِ فِي الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمِ فِعْلَ الشَّرْطِ:

١. ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾
 ٢. إِنْ تَفَهَّمْ دَرَسَكَ جَيِّدًا تُشَاهِدِ الْامْتِحَانَ سَهْلًا.
 ٣. مَنْ يُسَافِرُ يَكْتَسِبُ أَوْدِقَاءَ.
 ٤. إِنْ تَفَعَّلَ الْمَعْرُوفَ يُخَيِّبُكَ اللَّهُ.
 ٥. إِذَا انْقَسَمَتِ دَوْدَةُ الْأَرْضِ إِلَى نِصْفَيْنِ فَنَمَا كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا.

ترجمه فعل شرط	جواب شرط	أداة شرط	ردیف
.....	١
.....	٢
.....	٣
.....	٤
.....	٥

انْتِخِبْ لِكُلِّ فِرَاعٍ فِعْلًا مَنَاسِبًا:

- ٦٣ الرِّمَالُ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا فِي الصَّبِيْفِ. تَحْتَرِقُ تَحْتَرِقُ
 ٦٤ إِنْ قَدَرْتُ عَلَى تَوْقِفِ الزَّمَنِ الطِّفْلَةَ الْمَسْرُوقَةَ إِلَى أُسْرَتِهَا. أَسْتَرْجِعُ أَسْتَرْجِعُ
 ٦٥ هَلْ تَعْلَمُ الزَّرْقَانُ أَسْنَانَ التَّمْسَاحِ. أَنْ يُنْظَفَ أَنْ يُنْظَفَ
 ٦٦ مَنْ لَا جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْامْتِحَانِ. يَدْرُسُ يَدْرُسُ
 ٦٧ مَا تُنْفِقُوا مِنْ أَمْوَالِكُمْ اللَّهُ عَشْرَةَ أَمْثَالِهَا. يُعْطَى يُعْطَى

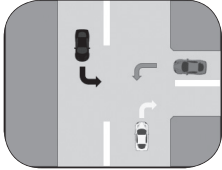
تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتِهَا خَطُّ:

- ٦٨ يبكي الطفل بسبب فقدان أمه.
 ٦٩ دريت طريقة غريبة في حل مشكلتي.
 ٧٠ كانوا يفتخرون من الأعمدة.
 ٧١ أنقر على صفحة الحاسوب بالضغط.
 ٧٢ قد حرقت النار الملابس من الدجاج.
 ٧٣ لا تقف كالعصا.

اقْرَأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى مِنْ يَوْمِ الثَّلَاثَاءِ كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدْرِّسِ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ يَتَكَلَّمُ مَعَ غَيْرِهِ مِنْ الطُّلَابِ عِنْدَ مَا يُدْرَسُ الْمَعْلَمُ وَ يَنَامُ فِي الصَّفِّ وَ يَهْرُبُ مِنْ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ فَأَرَادَ أَحَدُ زَمَلَانِهِ أَنْ يَكْتُبَ حَوْلَ آدَابِ الصَّفِّ وَ يَقْرَأَهُ فِيهِ.

- ٧٤ مَتَى نِيَامُ طَالِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ؟
 ٧٥ مَا هِيَ الَّتِي لَا يَفْعَلُهَا الطَّالِبُ قَلِيلُ الْأَدَبِ؟
 ٧٦ مَا هُوَ مَوْضِعُ إِنْشَاءِ زَمِيلِ الطَّالِبِ؟
 ٧٧ مَاذَا كَانَ يَدْرُسُ الْمُدْرِّسُ؟
 ٧٨ أَكْتُبْ إِعْرَابَ كَلِمَاتِ «كَلَامِ، الْوَاجِبَاتِ، أَحَدُ، فِيهِ»
 كَلَامٍ: وَ
 أَحَدٌ: وَ



أجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ مُسْتَعِينًا بِالصُّورَةِ:

٧٩ ماذا يفعلُ الشرطيُّ؟

٨٠ أيُّ شيءٍ يحفظُ الإنسانَ أمامَ نزولِ المَطَرِ؟

٨١ الدَّورانُ إلى أيِّ جِهَةٍ مسموحٌ؟

٨٢ أيُّ طائرٍ يدخلُ فَمَ التَّمساحِ لتنظيفه؟

رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَاكْتُبْ سَوَآلًا وُجُوبًا صَحِيحًا:

٨٣ مَرَّةً / يَنْقُرُ / فِي الثَّانِيَةِ / نَقَارُ الْخَشَبِ / كَمْ / جَذَعُ / عَشْرُ / الشَّجَرَةِ / مَرَاتٍ.

٨٤ مَنْ / حَارِسُ الْمَرْمَى / يَحْرُسُ / الْمَرْمَى.

٨٥ يُثْبِرُ / انْتِلاَقُ / الطَّنَانِ / تَعَجُّبِكَ / تَوَقُّفَهُ / وَالسَّرْبَعَانِ / مَاذَا.

٨٦ زَعَانِفَةٌ / مَاذَا / السَّمَكُ الطَّائِرُ / الْكَبِيرَةُ / يَمُدُّ.

أرْسُمْ خَطًّا بَيْنَ السُّؤَالِ وَجَوَابِهِ الصَّحِيحِ:

أحد مهاجمي الفريق المقابل

حيّة

إذا وقف طير عليها

من في التسلسل

دودة

إذا وضع ذنبها في الرمل

٨٧. ما هو ينمو كل واحد منهما؟

٨٨. متى تصيد الحية صيدها؟

٨٩. من يسجل الهدف؟

پاسخ

١ كرمهای خاکی / آزمایش

٢ مرغ باران / دندانها

٣ پر شد / تماشاچیان

٤ داور / آفساید

٥ به شمار می رود / موجودات زنده

٦ چتر

٧ طعمه

٨ تنهها

۹ نیمه شب

۱۰ باله‌ها

 ۱۱ زعنفة: زعانف / جذوع: جذع / رَمَل: رمال / حَيَات: حَيَّة / ديدان:
 دودة / اطعام: اطعمة / فَم: أفواه / سِن: أسنان / دَابَّة: دواب / أذیال:
 ذیل / أذیاب: ذَنَب / ذنوب: ذَنَب / بَطون: بطن / حَسَب: أخشاب /
 فريق: أفرقة / أجنحة: جناح

 ۱۲ مباراة = مسابقة / دَرَى = علم / أعلى ≠ أسفل / ذیل = ذَنَب /
 شمال ≠ یمین / یَسار = شمال / قَلَّ ≠ كَثُرَ / عَشَّ = وَكَنَ / تَكَلَّمَ
 ≠ سَكَتَ / يَنْفَعُ ≠ يَضُرُّ / الأموات ≠ الأحياء / العداوة

۱۳ حدّاد

۱۴ عَشَّ

۱۵ حرباء

۱۶ رَمَل

۱۷ أَصْفَر

 ۱۸ و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست ... مگر آن‌ها (نیز) گروه‌هایی
 مانند شما هستند.

۱۹ مرغ مگس، آن کوچک‌ترین پرنده روی زمین است.

 ۲۰ مرغ باران مانده‌های غذا در دهان تمساح را نوک می‌زند هنگامی
 که بر روی ساحل استراحت می‌کند.

 ۲۱ می‌دانم که نمی‌توانیم بال‌های مرغ مگس را به خاطر سرعت
 حرکتش ببینیم.

 ۲۲ کودک یک کرم خاکی را به دو نیم تقسیم کرد پس دو تا کرم
 خاکی شد.

 ۲۳ ماری را در بیابان دیدم که دمش را در ماسه گذاشته بود و مانند
 عصا ایستاده بود.

 ۲۴ سنجاب پرنده، پوششی خاص دارد که به او هنگام پرش از درختان
 کمک می‌کند.

 ۲۵ سرعت دارکوب به مغز کوچکش ضرر نرساند هنگامی که تنه
 درخت را نوک زد.

 ۲۶ وجود بافت بین جمجمه و منقار و زبانی که داخل جمجمه دارکوب
 می‌چرخد ضربه‌ها را دفع می‌کند.

۲۷ اگر روزت را با امیدواری شروع کنی با خوبی به پایان می‌رسد.

۲۸ ناگهان بادهایی وزید و چتر پدرم را به پیاده‌روی که از ما دور بود، برد.

۲۹ دارکوب حداقل ده بار در ثانیه با منقارش تنه درخت را نوک می‌زند.

۳۰ مرغ مگس به بالا و پائین و راست و چپ پرواز می‌کند.

۳۱ به حرکت درآمدن مرغ مگس و توقف سریعش تعجب را بر می‌انگیزاند.

۳۲ به حرکت درآمدن مرغ مگس و توقفش مرا شگفت‌زده می‌کند.

 ۳۳ هر کس قبل از سخن گفتن فکر کند اغلب از خطا سالم می‌ماند.
 (در امان می‌ماند)

۳۴ اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می‌کند و قدم‌هایتان را استوار می‌سازد.

۳۵ تمساح هنگام خوردن شکارش گریه نمی‌کند.

۳۶ مار حیوانی است که بر روی شکمش راه می‌رود.

۳۷ موجودات زنده / جهان / برآورد می‌کنند.

۳۸ طعمه‌ای / دهانش / گریه نمی‌کند / مایعی / ترشح می‌شود / اشک

۳۹ دندان‌های / شش / می‌افتد / دندان‌های / رشد می‌کند.

۴۰ چتر / در برابر / خورشید / باران / برف.

۴۱ بُرنده / کرم خاکی / تقسیم کند / دیگری / می‌شوند.

۴۲ گزینۀ «الف»

۴۳ گزینۀ «الف»

۴۴ گزینۀ «ب»

۴۵ گزینۀ «الف»

۴۶ گزینۀ «ب»

۴۷ مرمی

۴۸ یَبَّتُ

۴۹ الدَّوَاب

۵۰ زعانف

۵۱ أذیال

۵۲ الخطاء

۵۳ الصَّحیح

- ٥٤ الصَّحِيح
- ٥٥ الخطاء
- ٥٦ الصَّحِيح
- ٥٧ كَرِينَةُ «١»
- ٥٨ كَرِينَةُ «١»
- ٥٩ كَرِينَةُ «٢»
- ٦٠ كَرِينَةُ «١»
- ٦١ كَرِينَةُ «٢»
- ٦٢ ١. اِن: اداة شرط / أَحْسَنْتُمْ: جواب شرط / أَحْسَنْتُمْ: نيكي كنيد
٢. اِن: اداة شرط / تَشَاهِدُ: جواب شرط / تَفْهَمُ: بفهمي
٣. مَنْ: اداة شرط / يَكْتَسِبُ: جواب شرط / يُسَافِرُ: مسافرت كند
٤. اِن: اداة شرط / يُحِبِّبُكَ: جواب شرط / تَفْعَلُ: انجام دهی
٥. اِن: اداة شرط / نَمَا: جواب شرط / اِنْقَسَمْتُ: تقسيم شود.
- ٦٣ تَحْرُقُ
- ٦٤ أَرْجِعُ
- ٦٥ أَنْ يُنْظَفَ
- ٦٦ يَدْرُسُ
- ٦٧ يُعْطِ
- ٦٨ كَرِيهَ مِي كَنْد.
- ٦٩ دَانِسْتَم.
- ٧٠ مِي پَرِيدَنْد.
- ٧١ كَلِيك كَنْ.
- ٧٢ سَوْزَانْدَه اسْت.
- ٧٣ نَايَسْت.
- ٧٤ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمَعْلَمُ.
- ٧٥ الْوَاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ.
- ٧٦ آدَابُ الصَّفِّ.
- ٧٧ عِلْمُ الْأَحْيَاءِ.
- ٧٨ كَلَامٌ: مَجْرُورٌ بِه حَرْفِ جَرٍّ وَ مَجْرُورٌ بِه كَسْرُهُ / الْوَاجِبَاتِ: مِضَافٌ إِلَيْهِ وَ مَجْرُورٌ / أَحَدٌ: فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ بِه ضَمُّهُ / فِيهِ: جَارٌ وَمَجْرُورٌ
- ٧٩ يَصْفَرُ.
- ٨٠ الْمِظْلَةُ.
- ٨١ بَا تَوَجُّهٍ بِه تَصْوِيرٌ (إِلَى الْيَمِينِ يَأِ إِلَى الْبَسَارِ)
- ٨٢ زَقْرَاقُ.
- ٨٣ كَمْ مَرَّةً يَنْقُرُ نَقَارُ الْخَشَبِ جَذَعَ الشَّجَرَةَ فِي الثَّانِيَةِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ٨٤ مَنْ يَحْرُسُ الْمَرْمِيَّ؟ حَارِسُ الْمَرْمِيَّ.
- ٨٥ مَاذَا يَثِيرُ تَعْجَبُكَ؟ اِنْتِظَارُ الطَّائِرِ وَ تَوَقُّفُهُ السَّرِيعَانِ.
- ٨٦ مَاذَا يَمُدُّ السَّمَكُ الطَّائِرَ؟ زَعَانِفَةُ الْكَبِيرَةِ.
- ٨٧ دَوْدَةٌ.
- ٨٨ إِذَا وَقَفَ طَيْرٌ عَلَيْهَا.
- ٨٩ أَحَدٌ مُهَاجِمِي الْفَرِيقِ الْمَقَابِلِ.

الدَّرْسُ ١٠ تَأْتِيرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

سؤالات امتحانی درس چهارم

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

- ١ قَدْ نَقَلْتُ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظَ فَارْسِيَّةٍ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَ دُخُولِ الْفَرَسِ فِي بِلَادِ الْعَرَبِ.
- ٢ فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ إِزْدَادَ نَفُودُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ.
- ٣ قَدْ بَدَّلَ الْعَرَبُ الْحُرُوفَ الْفَارْسِيَّةَ الَّتِي لَا تُوجَدُ فِي لُغَتِهِمْ.
- ٤ وَ بِالْإِضَافَةِ إِلَى تَغْيِيرِ بِنَاءِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أَحَدَهَا مِنَ الْفَرَسِ اِسْتَقْبَلُوا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى.

« الدرس ۳ ■ عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ »

أَسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدْوَاتُهُ

مهمترین ادوات شرط عبارتند از: «مَنْ ، مَا ، إِنْ ، إِذَا»

هرکس هرچه اگر (هرگاه - اگر)

۱. معمولاً ادوات شرط بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد. فعل اول، شرط و فعل دوم جواب شرط نام دارد. گاهی جواب شرط به صورت جمله اسمیه است:

مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ.

فعل شرط جمله اسمیه (جواب شرط)

۲. وقتی ادوات شرط بر سر جمله دارای دو فعل ماضی بیاید، می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم:

إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ.

فعل شرط جواب شرط

اگر صبر کنی، موفقیت به دست می‌آوری.

۳. وقتی ادوات شرط بر سر فعل مضارع بیاید، فعل شرط به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود:

مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا، يُصِلْ إِلَى هَدَفِهِ.

فعل شرط جواب شرط

هر کس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

۳

« الدرس ۱ ■ مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ »

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

۱. اسم تفضیل: مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» است.

اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» است.

مثال: کبیر: بزرگ

أكْبَرُ: بزرگ‌تر - بزرگ‌ترین

مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید مثل: زَيْنَبُ السُّعْرَى

اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می‌آید.

مثال: فاطمةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب.

جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مانند: «أَفْضَلُ» که جمع آن «أَفْاضِلُ» است.

۲. اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن «مَفْعُل» و گاهی بر وزن مَفْعِل

و مَفْعَلَة است، مثال:

مَلْعَبُ: ورزشگاه مَطْعَمُ: رستوران جمع: مَلَاعِبُ - مَطَاعِمُ

« الدرس ۲ ■ صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ »

إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمُبَالِغَةِ

۱. اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و اسم مفعول به معنای

«انجام شده» است.

۱

يَحْكُمُ: داوری می‌کند - حتی يَحْكُمُ: تا داوری کند

حرف «لَنْ» بر سر فعل مضارع می‌آید و در شکل ظاهر آن (به جز جمع مؤنث)

تغییر ایجاد می‌کند، فعل دارای «لَنْ» معادل «آینده منفی» در زبان فارسی است.

تَنَالُونَ: دست می‌یابید

لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

« الدرس ۵ ■ الْأَصْدَقُ »

الْجُمْلَةُ بَدَأَ النَّكْرَةَ

هنگامی که بعد از اسمی نکره، جمله‌ای بیاید، در ترجمه بعد از آن اسم، حرف ربط

«که» می‌آید و فعل مطابق شرایط جمله ترجمه می‌شود.

مثال: إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ.

راضی ساختن مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

فعل ماضی + فعل مضارع = ماضی استمراری

رَأَيْتُ وَ لَدَا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ.

پسری را دیدم که به سرعت راه می‌رفت.

فعل مضارع + فعل مضارع = مضارع التزامی یا مضارع اخباری

أَقْتَسَ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.

دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که مرا در فهم متون کمک کند.

۵

« الدرس ۷ ■ لَا تَقْنَطُوا »

مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

فعل‌های پر کاربرد «کان، صارَ، لَيْسَ وَ أَصْبَحَ» افعال ناقصه نام دارند.

«کان» چند معنا دارد:

۱. بود، است، وجود داشت.

۲. فعل کمکی سازنده «ماضی استمراری» (کان + مضارع = ماضی استمراری)

← «كَانَ يَسْمَعُ»: می‌شنید

۳. فعل کمکی سازنده معادل «ماضی بعید» (کان + ماضی = ماضی بعید) ←

«كَانَ سَمِعَ» یا «كَانَ قَدْ سَمِعَ»: شنیده بود

مضارع «کان»، يَكُونُ به معنای می‌باشد و امر آن، «كُنْ» به معنای «باش» است.

«صارَ» و «أَصْبَحَ» به معنای «شد» هستند.

مضارع صارَ «يَصْبِرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ» است.

لَيْسَ یعنی «نیست»

«يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ...»

۷

مدت امتحان: ۶۰ دقیقه	سؤالات امتحانی درس: عربی (۲) علوم انسانی
آزمون نوبت دوم (۱)	پایه یازدهم - منتخب [۴]

ردیف	سؤالات	نمره
۱	ترجم الكلمات التي تحتها خط: استخدم نوى التمر كطعام للماشية..... أسعى فهم إشارات الأبقم للرد على الكلام.....	۰/۵
۲	عین المترادفین و المتضادین مستعیناً بالنص: فی حرب ایران و العراق أسرت عدّة كثيرة من الجنود و بعدوا عن أهلهم و بعد السلام فك الأسرى و رجعوا إلى أسرهم. = ≠	۰/۵
۳	اكتب الجمع أو المفرد: أصفياء: حزام:	۰/۵
۴	عین الكلمة الغريبة فی المعنى و المفهوم: ۶ <input type="checkbox"/> إثم <input type="checkbox"/> ذنب <input type="checkbox"/> استغفار <input type="checkbox"/> توبة ۷ <input type="checkbox"/> لب <input type="checkbox"/> قشر <input type="checkbox"/> جذع <input type="checkbox"/> غیم	۰/۵
۵	كمل الفراغات فی الترجمة الفارسیة: لیس الخلیم من عجز فهجم و إذا قدر انتقم. إته من إذا قدر عفا و كان الحلم غالباً على كل أمره. کسی که چون حمله کند و هرگاه قدرت یابد انتقام گیرد نیست بلکه کسی است که هرگاه قدرت دارد و بر تمام امورش غالب می باشد. تظاهرت الطفلة بالصداع حتى لاتذهب إلى السباحة. دختر بچه وانمود کرد که دارد تا به نرود.	۱/۵
۶	انتخب الترجمة الصحيحة: كانت تسرع إليه لتنقذه. <input type="checkbox"/> الف. به سمتش می دویدی تا او را نجات دهی. <input type="checkbox"/> ب. به سمتش می دوید تا او را نجات دهد. كاد يتعب عيشي من جوع. <input type="checkbox"/> الف. نزدیک بود که زندگیم از گرسنگی دگرگون شود. <input type="checkbox"/> ب. زندگیم از گرسنگی داشت تغییر می کرد.	۰/۵
۷	ترجم العبارات التالية: ۱۲ ما أضمر أحد شيئاً إلا ظهر في فلتات لسانه. ۱۳ كنت أستمع إلى طنطنة أبي اللببية في الصمت. ۱۴ يبلغ الصادق بصدق ما لا يبلغه الكاذب باحتياله. ۱۵ يأخذ طباشير بالعضو الوحيد المتحرك من بين أطرافه وهي قدمه اليمنى. ۱۶ «يوم ينظر المرء ما قدمت يداه و يقول الكافر يا ليتني كنت تراباً» ۱۷ دخل فريقنا صالة المنظمة قبل أن يمتلئ من المتفرجين.	۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۱ ۱ ۰/۷۵



ردیف	سؤالات	نمره								
۱۸	ترجم الأفعال التي تحتها خطأ: عَرَّفَنِي صَدِيقَكَ. قَد تَعَادَلَا مَرَّةً أُولَى. لَا تَعْتَرِّوْا بِصَلَاتِهِمْ. تُخَرَّبُ بِيوتَ جَنبِ شاطِئِ الْبَحْرِ.	۱								
۲۲	انتخب الفعل المناسب للفراغين: إخوتي الضعيف على شدائد الدهر. <input type="checkbox"/> يُعِينُونَ <input type="checkbox"/> تُعِينُ	۰/۵								
۲۳	كيف يُمكنُ لَهُمْ في برامجهم. <input type="checkbox"/> إن ينجحوا <input type="checkbox"/> أن ينجحوا									
۲۴	كَمِّلِ الْجَدُولَ فِي الْأَسْمَاءِ: السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، يَا قَائِدَ أُمَّتِنَا، يَا مَنْ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ أَطْيَبَ مَا صَلَّى عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.	۱								
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>اسم مبالغه</th> <th>اسم تفضيل</th> <th>جمع اسم فاعل</th> <th>اسم مفعول</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td> </td> <td> </td> <td> </td> <td> </td> </tr> </tbody> </table>	اسم مبالغه	اسم تفضيل	جمع اسم فاعل	اسم مفعول					
اسم مبالغه	اسم تفضيل	جمع اسم فاعل	اسم مفعول							
۲۵	اُكْتُبْ مَا طُلِبَ مِنْكَ: إن تجد كتاباً مفيداً في الحوار بالعربية تتكلم بهذه اللغة بعد مدة. فعل الشرط: ترجمة جواب الشرط:	۰/۵								
۲۶	ترجم العبارات حسب كل القواعد التي قرأتها: اعتذر من أبيه شاب ندم على أعماله السيئة. ۲۶ شجع الأستاذ الطلاب أن يشاركوا الأبحاث العلمية. ۲۷ كان إديسون يعد أكبر الأذكىاء في عصره. ۲۸	۱/۵								
۲۹	أكمل النص بانتخاب الفعل المناسب حسب القواعد التي قرأتها: كان رجلاً غني (صار - يصير) فقيراً فحاول جازة (لكيلا ينصره - أن ينصره) و قال في نفسه: (لن أنام - لأنام) في الراحة (إن لم أساعده - أن لأساعده) و (لأذهب - حتى أذهب) الآن إلى بيته إن الله قال: (تزرع - تزرعون) في الدنيا تحصد في الآخرة.	۱/۵								
۳۰	عين إعراب الكلمات التي تحتها خطأ: كان لأبٍ ولدانٍ. واحدٌ أصمٌ و الثاني أعمى. مات الأب في الصحراء و دفناه.	۱								

نمره	سؤالات	رديف
١	<p>أرسم خطاً بين الكلمة و شرحها المناسب:</p> <div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px;"> <p>المِظَلَّة</p> <p>المِسْك</p> <p>إِضْمَار</p> <p>إِظْهَار</p> </div> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px;"> <p>٣١. إخفاء شيء وجعله بعيداً عن الأنظار.</p> <p>٣٢. أداة لحفظ الإنسان أمام المطر أو الثلج.</p> </div> </div>	
٠/٧٥	<p>عَيِّن الصَّحِيحَ أَوْ غَيْرَ الصَّحِيحِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:</p> <p>المكروب هو الذي أصيب بالكرب. ٣٣</p> <p>المؤمن كثير الكلام قليل العمل. ٣٤</p> <p>ارتفاع حرارة الجسم من علائم المرض. ٣٥</p>	<p>الصحيح <input type="checkbox"/></p> <p>الخطأ <input type="checkbox"/></p>
٠/٧٥	<p>ضَعْ فِي الْفَرَائِغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً:</p> <p>خائف، ذكريات، الشرف، المنشفة، خائب، ذاكرة</p> <p>الذي لارجاء له للنجاح في هدفه فهو..... ٣٦</p> <p>أحد الأسباب في تقدم المرء.....ه القوية. ٣٧</p> <p>قطعة قماش توضع على السرير. ٣٨</p>	
١	<p>أجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بَعْدَ قِرَاءَةِ النَّصِّ:</p> <p>عندما جاء جدّي المَعْوَقُ إلى بيتنا و شاهدتُ أن لايمشي و لايجلس بسهولة. بدأتُ يصنع كرسى مطاطي. استغرقتُ عملي أسبوعاً و في هذه المدة هو مريض و رقد في المستشفى للعلاج و لكن لم يرجع إلى منزلنا و ذكره في قلوبنا و وجهه في صورة على الجدار يبتسم إلينا.</p> <p>٣٩ كم يوماً استغرقتُ صنع الكرسى؟</p> <p>٤٠ ما هي نوعية الكرسى؟</p> <p>٤١ لماذا رقد الجد في المستشفى؟</p> <p>٤٢ عَيِّن الصَّحِيحِ:</p> <p><input type="checkbox"/> الف. كان الجد نشيطاً و رياضياً.</p> <p><input type="checkbox"/> ب. مات الجد في البيت بعد المعالجة فيه.</p> <p><input type="checkbox"/> ج. المطاط نوع من الأخشاب يوجد في الغابات.</p> <p><input type="checkbox"/> د. كان الجد يمشى و يجلس بصعوبة.</p>	
٠/٢٥	<p>اُكْتُبْ جَوَاباً صَحِيحاً مَسْتَعِيناً بِالصُّورَةِ:</p> <p>ماذا تفعل؟</p> 	
٠/٢٥	<p>رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اُكْتُبْ سؤَالاً مَنَاسِباً:</p> <p>ينطقون / الدخيلة / العرب / كيف / الكلمات</p> <p>..... ؟ طبق أصلها.</p>	
٢٠	جمع نمره	



- ۱ هسته (۰/۲۵)
- ۲ لال (۰/۲۵)
- ۳ أهل = أسرة (۰/۲۵) / حرب ≠ سلام (۰/۲۵)
- ۴ اَصْفِيَاء: صفی (۰/۲۵)
- ۵ جِزَام: أَحْزَمَة (۰/۲۵)
- ۶ ذَنْب (۰/۲۵)
- ۷ غَيْم (۰/۲۵)
- ۸ ناتوان شود (۰/۲۵) / بردبار (۰/۲۵) / می‌بخشد (۰/۲۵) / بردباری (۰/۲۵)
- ۹ سردرد (۰/۲۵) / شنا (۰/۲۵)
- ۱۰ گزینۀ «ب» (۰/۲۵)
- ۱۱ گزینۀ «الف» (۰/۲۵)
- ۱۲ کسی چیزی را پنهان نکرد، مگر این که از لغزش‌های زبانش آشکار شد (در سخنان بی‌فکر و اندیشه‌اش آشکار شد) (۰/۷۵)
- ۱۳ در خاموشی و سکوت به بانگ شبانه پدرم گوش فرا می‌دادم. (۰/۷۵)
- ۱۴ راستگو با راستگوئیش به آن چیزی می‌رسد که دروغگو با فریب کاریش به آن نمی‌رسد. (۰/۷۵)
- ۱۵ گنج را با تنها عضو متحرک میان دست و پاهایش که همان پای راستش است بر می‌دارد. (۱)
- ۱۶ روزی که انسان به آن چه از پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید ای کاش خاک بودم. (۱)
- ۱۷ تیم ما وارد سالن سازمان شد، قبل از اینکه پر از تماشاچی شود. (۰/۷۵)
- ۱۸ مرا معرفی کن (۰/۲۵)
- ۱۹ مساوی کرده‌اند (۰/۲۵)
- ۲۰ فریب نخورید (۰/۲۵)
- ۲۱ خراب می‌شود (۰/۲۵)
- ۲۲ یَعِينُونَ (۰/۲۵)
- ۲۳ أن يَنْجَحُوا (۰/۲۵)
- ۲۴ اسم مبالغه: جَبَّار (۰/۲۵) / اسم تفضیل: أَطِيب (۰/۲۵) / جمع اسم فاعل: قَادَة (۰/۲۵) / اسم مفعول: مُرْسَلِينَ (۰/۲۵)
- ۲۵ فعل شرط: نَجِدُ (۰/۲۵)
ترجمه جواب شرط: صحبت می‌کنی (۰/۲۵)
- ۲۶ جوانی که از کارهای بدش پشیمان شده بود از پدرش عذرخواهی کرد. (۰/۵)
- ۲۷ استاد دانشجویان را تشویق کرد که در پژوهش‌های علمی شرکت کنند. (۰/۵)
- ۲۸ ادیسون از بزرگ‌ترین باهوش‌های دوران‌ش به شمار می‌رفت. (۰/۵)
- ۲۹ صَارَ (۰/۲۵) / أن يَنْصُرَهُ (۰/۲۵) / لن أنام (۰/۲۵) / إن لم أساعده (۰/۲۵) / لأذْهَبَ (۰/۲۵) / تَزْرَعُ (۰/۲۵)
- ۳۰ ولدان: اسم فعل ناقصه و مرفوع به الف (۰/۵) / مفعول و مبنی (۰/۵)
- ۳۱ إضمار (۰/۵)
- ۳۲ المِظْلَّة (۰/۵)
- ۳۳ الصَّحِيح (۰/۲۵)
- ۳۴ الخَطَأُ (۰/۲۵)
- ۳۵ الصَّحِيح (۰/۲۵)
- ۳۶ خَائِب (۰/۲۵)
- ۳۷ ذَاكِرَة (۰/۲۵)
- ۳۸ الشَّرِيف (۰/۲۵)
- ۳۹ سَبْعَة أَيَّام (۰/۲۵)
- ۴۰ مطاطية. (۰/۲۵)
- ۴۱ للمعالجة. (علاج) (۰/۲۵)
- ۴۲ گزینۀ «د» صحیح است. (۰/۲۵)
- ۴۳ أَعْسَلُ أَسْنَانِي (۰/۲۵)
- ۴۴ كيف العَرَبُ يَنْطِقُونَ الكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ؟ (۰/۲۵)